

شناسایی و واکاوی عوامل مؤثر بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی در دانشگاه‌های آزاد

اسلامی استان تهران

دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزاده احمدی

استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یلدا دلگشائی*

استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهارک شیرزاد کبریا

استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فاطمه حمیدی‌فر

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

چکیده: هدف اصلی این مقاله شناسایی و واکاوی عوامل مؤثر بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف داده‌بنیاد و از لحاظ روش گراند تئوری اجرا است. جامعه پژوهش را صاحب‌نظران حوزه علوم اقتصادی و آموزشی متخصص در زمینه مدیریت آموزشی، منابع انسانی و مدیریت آموزش عالی که دارای کتاب یا مقاله هستند، تشکیل داده‌اند. بر اساس معیار اشباع نظری، ۱۷ نفر به روش هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 12 گردآوری شد. در نتیجه ۸۴ مفهوم اولیه (کد باز)، ۱۵ مفهوم اصلی (کد محوری) به دست آمد که در قالب مدل پارادایمی شامل ۶ کد انتخابی شامل عوامل علی (۲ مؤلفه و ۹ شاخص)، عوامل محوری (۲ مؤلفه و ۱۴ شاخص)، عوامل راهبردی (۴ مؤلفه و ۱۹ شاخص)، عوامل مداخله‌گر (۳ مؤلفه و ۱۶ شاخص)، پدیده اصلی (۲ مؤلفه و ۱۱ شاخص) و پیامدها (۲ مؤلفه و ۱۵ شاخص) ارائه شد.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد دانش‌محور، اعضای هیأت علمی، آموزش عالی، استان تهران

۱- مقدمه

مدت زمان زیادی است که اهمیت و تأثیر دانش بر خلق ارزش و به عنوان عاملی که مشوق بهره‌وری و استمرار رشد اقتصادی می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. در راستای آن در دنیای اقتصادی کنونی هرچه بیشتر به فناوری اطلاعات توجه شود و یادگیری یا آموزش در جهت افزایش سرعت پیشرفت علمی و حتی پیشرفت فنی به‌کار گرفته شود در اصل دانش را به عنوان مرکز ثقل در اقتصاد امروز تأیید می‌کند (Karaianis et al., 2108). با تأکید اقتصاددانان بر اهمیت دانش از اوایل دهه ۹۰ و با ظهور نظریه‌های رشد درون‌زا (Ben Hassen, 2023) و معرفی دانش به عنوان عامل اصلی در ترویج ادبیات، مدیریت دانش در سطح بنگاه‌ها فراهم شد (Aliyu Molaj & Dadaj, 2023). این امر که نظریه‌های اقتصادی و بنگاهی به طور همزمان دستخوش تغییرات شده‌اند، تأییدکننده این مطلب است که دانشمندان در هر دو سطح خرد و کلان دانش را به عنوان حیاتی‌ترین منبع اقتصادی باور کرده‌اند و همین دلیلی برای شروع تلاش‌های بیشتر در دو سطح خرد و کلان جهت بررسی نقش دانش و ارزیابی آن شد که بتوانند جایگاه و اهمیت دانش را با ارائه الگوها و مدل‌ها در هر دو سطح نشان دهند.

در این پژوهش سعی بر این است که به توصیف اقتصاد دانش‌محور پرداخته و با بیان تفاوت‌های اقتصاد سنتی و اقتصاد مبتنی بر دانش در یک نگاه جامع و سیستمی، نشان داده شود که در دنیای به شدت رقابتی امروز، نقش دانش به عنوان یک عامل کلیدی در رشد و تحول جامعه و توسعه اجتماعی و اقتصادی، ضرورتی انکارناپذیر است و سرمایه انسانی، عنصری بسیار اساسی و ارزشمند در اقتصاد دانش‌محور محسوب شده و برای ایجاد سرمایه انسانی مناسب، سرمایه‌گذاری در آموزش و تحقیق و توسعه ضروری است.

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر در تبدیل اقتصاد سنتی به اقتصاد دانش‌محور با استفاده از

آموزش عالی است که مطالعه موردی در دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران صورت خواهد گرفت تا با بررسی و تحلیل ارتباط بین این مؤلفه‌ها بتوان مدل مناسبی را جهت اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی ارائه کرد. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی کدامند؟

۲- پیشینه پژوهش

الف) پژوهش‌های خارجی

گیرالدو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «روندهای پژوهشی اقتصاد دانش‌بنیان: مطالعه کتاب‌سنجی» بیان کرده‌اند که این مطالعه کتاب‌سنجی اهمیتی را که دانش به عنوان پایه و اساس اقتصادهای کنونی به دست آورده است، آشکار می‌کند. در نتیجه، KBE^۲ به عنوان یک روند رو به رشد در مطالعات مدیریت قرار گرفته است و دانش شرکتی (ضمنی و صریح) دارایی نامشهودی است که سازمان‌ها (صرف نظر از بخش خود) باید آن را مدیریت کنند. این توضیح نشان می‌دهد که رایج‌ترین کلیدواژه‌ها در اسناد بررسی شده سیستم‌های مبتنی بر دانش، مدیریت دانش، مدیریت اطلاعات، توسعه اقتصادی، نوآوری، شایستگی و فناوری اطلاعات است. در نتیجه، یکپارچه سازی اکوسیستم‌هایی ضروری است که براساس آن دولت‌ها و بخش تولیدی بتوانند نوآوری را با اتخاذ ابزارهایی مانند مدیریت اطلاعات و دانش ارتقا دهند. بدون شک، این اقتصادها را قادر به توسعه بیشتر می‌کند.

فال^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «ظرفیت‌سازی اقتصاد مبتنی بر دانش برای کشورهای درحال توسعه: تحلیل پانل در جامعه توسعه آفریقایی جنوبی» بیان می‌کنند که توسعه آفریقایی جنوبی از نظر

1- Giraldo

2- Knowledge-Based Economy

3- Phale

اقتصاد دانش نسبت به سایر مناطق در سراسر جهان عقب مانده است و این موضوع به طور چشمگیری شانس همگام شدن با همتایان اقتصادی خود را از نظر توسعه پایدار کاهش می‌دهد. بنابراین، این مقاله، تحلیل داده‌های پانل چندمتغیره را که روی تابع تولید کاب-داگلاس^۱ پیش‌بینی می‌شود، برای تحلیل وابستگی در کنار ستون‌های اقتصاد مبتنی بر دانش و رشد اقتصادی از ۱۹۹۸-۲۰۱۸ اعمال می‌کند. در این مطالعه، چارچوب اقتصاد دانش‌بنیان بانک جهانی به کار گرفته شده است. برای دستیابی به هدف پژوهش، ابتدا تأثیر بلندمدت مربوط به پراکسی‌های هر رکن در اقتصاد دانش‌بنیان بر رشد اقتصادی برآورد می‌شود. پس از آن، میانگین تأثیر هر ستون با استفاده از شاخص تأثیر متوسط (AII) مورد بررسی قرار می‌گیرد. استفاده از هر دو آزمون ریشه واحد معمولی و هم‌انباشتگی نشان داد که تمام سری‌های مشاهده شده ثابت و یکپارچه هستند. تخمین بیشتر رابطه بلندمدت با استفاده از هر دو مدل ایستا و پویا (اثر ثابت و روش تعمیم لحظه) نشان داد که اثربخشی دولت، پس‌انداز تعدیل شده در هزینه‌های آموزشی، ثبت‌نام دوره سوم، مجلات علمی و فنی و اشتراک‌های تلفن همراه تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند و در نهایت، برآورد AII نشان داد که رکن نوآوری بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی دارد و پس از آن، آموزش و مهارت‌ها با کمترین زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

اپاریسیو^۲ و همکاران (۲۰۲۳)، پژوهشی با عنوان «تحولات در زمینه تحقیقات اقتصاد مبتنی بر دانش: بررسی ادبیات کتاب‌سنجی» انجام داده‌اند که هدف این مطالعه ترکیب و سازماندهی دانش موجود در حوزه پژوهشی اقتصاد مبتنی بر دانش است. این مطالعه با استفاده از مجموعه Web of Science Core، به بررسی ادبیات ۱۲۲۸ مقاله منتشرشده از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰

پرداخت. نتایج، تکامل پژوهش را نشان می‌دهد و برخی از فعال‌ترین و تأثیرگذارترین مقالات، مجلات و نویسندگان این حوزه را شناسایی می‌کند. علاوه بر این، این تحلیل درک ساختار مفهومی و فکری حوزه تحقیق را بر اساس یک نمای کلی از ادبیات مربوطه و نویسندگان آن افزایش می‌دهد. همچنین تجزیه و تحلیل کتاب‌سنجی هفت خوشه موضوعی را نشان می‌دهد: ۱- مبانی KBE، ۲- مدیریت دانش، ۳- کار دانش، ۴- تولید دانش، ۵- محیط‌های دانش، ۶- پاسا سرمایه‌داری جدید و ۷- مفهوم‌سازی مجدد KBE. این خوشه‌ها دیدی کل‌نگر از این حوزه ارائه می‌کنند و با ارائه نقشه‌ای تحقیقاتی، تحقیقات آینده را تسهیل می‌کنند تا پیشرفت دانش موجود در این زمینه را راهنمایی کند. بر اساس تحلیل‌های کتاب‌سنجی و محتوایی، راه‌های تحقیقاتی آینده برای ارائه سرخ‌هایی برای این کار پیشنهاد شده است.

در پژوهشی با عنوان «همکاری پژوهشی برای اقتصاد مبتنی بر دانش: به سمت چارچوب مفهومی» نتایج نشان دادند اقتصاد مبتنی بر دانش بر اساس مزایای ساخته شده از طریق تعاملات بازگشتی برنامه‌ریزی شده بین بازیگران کلیدی اقتصاد رشد می‌کند. این مقاله با استفاده از بررسی، استدلال‌های نظری و مفهومی را در حمایت از همکاری تحقیقاتی به عنوان یک رسانه حیاتی و قابل دوام برای انجام تحقیق و نوآوری با هدف رشد و توسعه اقتصادی ارائه می‌کند و یک چارچوب مفهومی برای هدایت تحقیقات آینده در مورد عوامل تعیین‌کننده و پویایی همکاری تحقیقاتی و همچنین استفاده از خروجی تحقیقات مشارکتی در نوآوری پیشنهاد می‌کند. چارچوبی که می‌تواند مدل‌سازی شود و برای تحقیقات توصیفی و توضیحی با هدف دستیابی به اطلاعات دست اول برای مداخلات سیاستی که به دنبال پیشبرد اقتصاد دانش‌محور از طریق همکاری پژوهشی است، توصیه می‌شود (Mensah &

یانگ^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان بیان داشت که مدیریت دانش سهمی در عملیات نوآوری دارد به ترتیبی که رویکردهای هم‌زمان عملکرد مدیریت منابع انسانی نرم و شیوه‌های فناوری اطلاعات سخت، پیاده‌سازی می‌شود.

ب) پژوهش‌های داخلی

آزاد ارمکی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش اقتصاد دانش‌بنیان در دانشگاه‌های نسل سوم» اذعان داشتند که جامعه کارآفرین به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که کارآفرینی مبتنی بر دانش به عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد اقتصادی، ایجاد شغل و رقابت‌پذیری ظهور کرده است. در این مقاله به پیش‌نیازهای استقرار اقتصاد دانش‌بنیان و ارتباط دانشگاه‌های نسل سوم در دانش ارائه شده است. از این نظر، دانشگاه می‌خواهد چندین استراتژی، ساختار و فرهنگ را برای تقویت توسعه دهد: ۱- روش‌های بهتر آموزش با کیفیت مبتنی بر رشد شخصی که از خلاقیت و تجربه کارآفرینی حمایت می‌کند. ۲- استراتژی‌های بهتر برای مشوق‌ها. همچنین از الزامات صنعت، نیاز به توافق‌نامه‌های همکاری قوی بین دانشگاه و صنعت است. به طور خاص، بنگاه‌های کوچک و متوسط برای بقا در فضای رقابتی به این مکانیسم‌ها نیاز دارند؛ زیرا در اقتصاد جدید، مزیت استراتژیک اصلی شرکت، دانش و سرمایه انسانی آن است. دانشگاه، ایده‌ها و منابع انسانی واجد شرایط را تولید می‌کند در حالی که صنعت، منابع اقتصادی برای تبدیل ایده‌ها به محصول مفید اقتصادی را دارد.

مزدخواه و حمیدی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «قطر و اقتصاد دانش‌بنیان: الگویی نوین برای توسعه‌یافتگی دولت» بیان کرده‌اند که تنوع‌سازی الگوهای اقتصادی ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای کشورهای دارای اقتصاد سیاسی تک‌وجهی است. اساساً تنوع

اقتصادی به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا تهدیدات را به فرصت تبدیل کنند و متغیر اقتصاد را در پرتو تولید قدرت به کار گیرند. به همین منظور، یکی از کشورهای که تنوع‌بخشی در اقتصاد را در چارچوب الگوی اقتصاد دانش‌بنیان به کار برده، قطر است. این کشور با تأکید بر همگرایی میان دولت، صنعت و نهاد دانشگاهی در یک چرخه سیستمی، درصدد است تا ضمن تغییر رویکرد در اقتصاد سیاسی هیدروکربنی بر قدرت سیاسی خود نیز بیفزاید و به عنوان یک کنشگر انطباقی، گزینه‌های متعددی برای قدرت‌سازی در اختیار داشته باشد و بسترساز ایجاد یک دولت توسعه‌گرای مدرن شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قطر با رویکرد اقتصاد دانش‌بنیان اکوسیستم توسعه‌گرایی جدیدی را برای تولید قدرت و ثروت به طور هم‌زمان در پیش گرفته است.

محمودی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «اثرات شاخص اقتصاد دانش‌بنیان بر رشد اقتصاد کشورهای اسلامی (مدل آزمون بارو سالای مارتین)» تلاش کرده‌اند تا با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و با تبیین نظری و طراحی مدل، تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان را بر رشد اقتصادی کشورهای اسلامی بررسی و در راستای تحقق این هدف، تأثیر تجربی این ارتباط را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در این پژوهش کشورهای اسلامی و چندمذهبی به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفته شده است که از میان کشورهای اسلامی و چندمذهبی بر کشورهایی که اطلاعات بیشتری از آن‌ها در بازه ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ در دسترس بود، متمرکز شده‌اند. جهت جمع‌آوری اطلاعات کمی و آمار مورد نیاز پژوهش از جداول آماری، الگوی اقتصادسنجی پانل خودرگرسیون ساختاری، صندوق جهانی پول و همچنین از بانک‌های اطلاعاتی جهانی استفاده شده است. نتیجه‌ای که پس از بررسی ایستایی و روابط

بلندمدت متغیرها طی آزمون فیشر^۱ و آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون^۲ به دست آمد، این بود که در سطح صفر و بر اساس نتایج آمارها، پنج رابطه بلندمدت در سطح ۰/۹۵ بین متغیرها وجود دارد و همچنین به کمک تحلیل شوک‌ها موفق شدند ثابت کنند که شاخص اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند بر رشد اقتصاد کشورهای اسلامی تأثیر داشته باشد.

عباسی‌نژاد و زاهدی خوزانی (۱۴۰۰) در پژوهشی بین‌المللی با عنوان «محاسبه اقتصاد دانش‌بنیان در ۵۴ کشور منتخب» سعی کرده‌اند اقتصاد دانش با ترکیب رویکردهای استقرایی و قیاسی اندازه‌گیری شود. در این مقاله، مقایسه‌ای بین دیدگاه‌های مختلف در مورد اقتصاد دانشی انجام شد و سپس اقتصاد دانشی به عنوان «دستیابی به سطوح بهره‌وری بالاتر با بهره‌گیری از دانش» تعریف شد. پس از بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری، این عوامل به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ۱- کیفیت حاکمیت و محیط کسب‌وکار، ۲- کیفیت زیرساخت اطلاعاتی و ارتباطی، ۳- آزادی اقتصادی و کیفیت روابط بین‌الملل و ۴- سطح دانش و نوآوری. در ادامه با محاسبه سطح بهره‌وری برای ۵۴ کشور و تقسیم بهره‌وری هر کشور به چهار عامل فوق، سهم عامل چهارم و نقش دانش و نوآوری در اقتصاد دانش‌آموزی محاسبه و به‌عنوان شاخص ارائه شد. اقتصاد دانش در هر یک از این چهار دسته، ذیل سه یا چند شاخص قرار داده شد و از ۱۵ شاخص استفاده شد. داده‌های ۱۵ شاخص در پانل حاوی اطلاعات ۵۴ کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ استخراج شد. وزن عوامل مختلف بهره‌وری با استفاده از روش پانل بی‌زی^۳ برآورد شد. نتایج رتبه‌بندی کشورهای منتخب نشان می‌دهد که ایالات متحده، ژاپن و آلمان کشورهای پیشرو در اقتصاد دانش‌بنیان هستند.

رضایی نجفقلی و شافعی (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان «تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر همگرایی و رشد اقتصادی جنوب شرقی آسیا با رهیافت اقتصاد سنجی فضایی» انجام داده‌اند. این مطالعه به بررسی اثر اقتصاد دانش‌بنیان بر همگرایی کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌پردازد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا اقتصاد دانش‌بنیان سرعت همگرایی و رشد اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا را متأثر می‌کند. به منظور بررسی رابطه بین اقتصاد دانش‌بنیان و رشد اقتصادی و همگرایی، پس از انجام آزمون‌های مورد نیاز به برآورد مدل پرداخته شد. در قسمت برآورد مدل برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی از مدل SAR^۴ با اثرات ثابت استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارند. در نهایت برای بررسی تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر همگرایی از معادلات همگرایی استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده از این بخش سرعت همگرایی مطلق ۰/۳۵ درصد بود که با وارد کردن مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان در مدل سرعت همگرایی در منطقه مورد مطالعه به ۰/۴۱ درصد افزایش یافت.

۳- مبانی نظری

برای ارائه تعریفی نظام‌مند از اقتصاد دانش‌محور می‌توان به مجموعه مستندات علم، فناوری و نوآوری کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) مراجعه کرد. در سال ۱۹۹۹، این سازمان، اقتصادهای دانش‌محور را به این صورت تعریف کرد: «اقتصادهایی که به طور مستقیم بر تولید، توزیع و به‌کارگیری دانش و اطلاعات استوارند، اقتصادهای دانش‌محور نامیده می‌شوند» (Abd et al., 2022). این

1- Fishers exact test

0-2 Johansson-Josilius convergence test

3- Bayesian Model Averaging

4- Spatial AutoRegression Model

سازمان همچنین در جهت معرفی اقتصاد بر پایه دانش به دو مفهوم مرتبط به هم اشاره کرده است؛ اولین مفهوم «سرمایه‌گذاری در دانش» است: «هزینه‌هایی که به هدف غنی‌سازی دانش موجود یا کسب دانش جدید یا اشاعه دانش، صرف فعالیت‌هایی می‌شود» (OECD, 2003)؛ به طوری که در این سازمان، هزینه‌های پژوهش و توسعه^۱ آموزش عالی و نرم‌افزار به عنوان سرمایه‌گذاری معرفی شده‌اند.

صنایع مبتنی بر دانش به عنوان دومین مفهوم جدید و با اشاره به تغییر و دگرگونی شاخص تراکم فناوری پیشرفته است.

تأکید اصطلاح اقتصاد دانش‌محور بر نقش دانش و فناوری در رشد اقتصادی از دلایلی است که موجب تجزیه و تحلیل اهمیت دانش در رشته‌های مختلف دانشگاهی و چشم‌اندازهای مختلف شده است. چهار رکن که چارچوب اقتصاد دانش‌بنیان را تشکیل می‌دهند، عبارتند از: انگیزه اقتصادی و رژیم نهادی، نیروی کار آموزش دیده، نظام نوآوری و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات (Trzesilensky, 2015).

در عین حال، برای تحقق رشد اقتصاد دانش‌محور، پیش‌نیازهایی باید وجود داشته باشد؛ نخستین پیش‌نیاز، آموزش عمومی که دارای کاربرد نیز باشد؛ مانند یادگیری مادام‌العمر، تدوین برنامه‌های آموزشی برای مربیان و ایجاد تناسب میان مفاد آموزشی و شرایط عصر حاضر است. از دیگر پیش‌نیازها، ایجاد حلقه ارتباطی بین جهان کسب و کار و جهان دانشگاهی است که باعث ایجاد نوآوری متناسب با محیط می‌شود. مدیران بنگاه‌ها باید برای حوزه مدیریت دانش از جمله مدیریت تولید، سهیم و برای استفاده از سرمایه دانش در سازمان اهمیت قائل شوند. بنابراین، برای تحقق نوآوری در اقتصاد دانش‌محور به دو گونه دانش؛ یعنی نرم‌افزار و مهارت‌افزار در کنار سخت‌افزار نیاز است.

برای تسریع در دانشی شدن اقتصاد با تداوم اقتصاد دانش‌محور، نقش دانشگاه‌ها هم در تولید و اشاعه دانش (ایده‌ها) و هم در پرورش مهارت‌ها بسیار مهم است. بر این اساس، حفظ تمامیت نهادی دانشگاه، انعطاف‌پذیری پایدار که در آن آموزش و پرورش در کنار ارائه آموزش‌های تخصصی باید شکل‌گیری مهارت‌های یادگیری را نیز تضمین کند، اساسی است. در عین حال، حاکمیت دانشگاه در همبستگی تنگاتنگ با فعالیت‌های مرتبط با آموزش و پژوهش است؛ زیرا آموزش و پژوهش باید تضمین کنند که دانشجویان از طریق فرایندهای آموزش، دانش و توانایی‌های مورد نیاز برای توسعه پایدار را مطابق با ضرورت‌ها و نیازهای به‌زیستی انسان‌ها و سیاره زمین کسب می‌کنند؛ بنابراین، آموزش و پژوهش نقاط حساس دانشگاه پایدار هستند (Teodorino, 2013).

از میان نشانه‌های اقتصاد دانش‌محور می‌توان به گسترش آموزش دانشگاهی و پاسخگویی به نیازهای متنوع آموزشی و تضمین یادگیری مشارکتی و همچنین به تنوع‌بخشی به نظام آموزش عالی اشاره کرد که مستلزم شناسایی و درک اجزای مختلف کار ویژه پژوهشی دانشگاه است. بنابراین، بر اساس نظریه‌های جدید رشد، انباشت دانش به وسیله فرایندهای رسمی و غیررسمی؛ محوری کلیدی در اقتصاد دانش‌محور است و این انباشت در شکل ایده‌ها و مهارت‌ها متجلی می‌شود (حسینی کوهساری و همکاران، ۱۴۰۰).

به همراه مطرح شدن صنعت بازار دانش، ماهیت فرهنگی علم نیز تغییر کرد و الگوی جدیدی از علم ارائه شد. در این الگو عاملان و ذی‌نفعان مختلفی از جمله تولیدکنندگان (پژوهشگران، فناوران و نوآوران)، انتقال‌دهندگان دانش (آموزشگران دانشگاه‌ها و مجریان کارگاه‌های علمی)، تبدیل‌کنندگان دانش (مشاوران حرفه‌ای) و مشتریان و مصرف‌کنندگان دانش (دانشجویان، بنگاه‌های اقتصادی دستگاه‌های اجرایی، دولت و...) در بازار دانش فعالیت می‌کنند. صنعت دانش

1- Research & Development (R&D)

با وجود شرایط کنونی، می‌توان واکنش اثربخش نظام متنوع آموزشی را به تقاضاهای مختلف ایجاد شده در اقتصاد در حال ظهور به موجب گزینش‌گری در تحقیق و توسعه، تحقیق و آموزش و جامع‌نگری در تحقیق و یادگیری مشاهده کرد. در واقع، تنها در صورتی که ماهیت جامع‌نگرانه تحقیق و آموزش در بستر اقتصاد دانش‌محور، فراتر از دانشگاه گسترش یابد، می‌تواند مشمول کل نظام آموزشی شود. بدون شک در چنین وضعیتی به عنوان اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین امور می‌توان به تأکید بر آموزش و همچنین بازآفرینی نقش اجتماعی و اقتصادی آن اشاره کرد.

اقدام در جهت بازنگری در حوزه روابط خود با افراد، خانواده‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند از الزامات نهادهای آموزشی است تا بتوانند خود را به عنوان فراهم‌کنندگان محوری و اصلی فرصت‌های ایجاد فرایندهای یادگیری رسمی نشان دهند و هم جهت با آن مشوق نوعی از شیوه زندگی می‌شوند که منجر به ارتقای یادگیری از طریق تعامل اجتماعی خواهد شد (Chorev and Ball, 2022).

تحقیقات انجام شده نشان‌دهنده ارتباط میان آموزش عالی و رشد اقتصادی به عواملی همچون سرمایه انسانی به عنوان موتور رشد (Eric, 2007; Lane, 2004)، تأثیر معنی‌دار تحقیق و توسعه بر رشد ناخالص داخلی کشورهای اروپایی (Stralacchini, 2007)، وجود رابطه بین آموزش و رشد اقتصادی در کشورهای OECD (Simoez, 2011)، آموزش و رشد اقتصادی بلندمدت در قبرس (Katircioglu, 2009)، نیروی انسانی متخصص و اثر معنی‌دار بر رشد اقتصادی (سالم، ۱۳۹۷)، تأثیر آموزش بر صادرات صنعتی (طیبری و اربابیان، ۱۳۸۲)، تأثیر آموزش بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۵۱ (علمی و جمشیدی، ۱۳۸۶) و آموزش عالی و رشد اقتصادی در کشورهای باز مشوق رشد اقتصادی (ابراهیمی و فرجادی، ۱۳۸۹) به تأثیر مشابه آموزش عالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر رشد

به این مفهوم با مؤلفه‌هایی همچون کالایی شدن، تجاری شدن، شرکتی شدن، رقابتی شدن، فراگیر شدن، استاندارد شدن، جهانی شدن و بین‌المللی شدن آشکار شده است و به تبع آن مرز سیستم، شبکه‌ها و بخش‌های نوآوری به طور فزاینده پیچیده و غیرخطی هدایت می‌شود و فرایندهای پویا از خلق دانش، انتشار و کاربرد را نیازمند مفهوم‌سازی مجدد راه و روش‌های تولید دانش و تجدیدنظر در چارچوب اقتصاد دانش و جامعه کرده است (سلیمی و همکاران، ۱۴۰۱).

اگر از دیدگاه عملگرایانه به دانشگاه بنگریم بدون شک با وجود تغییرات غیرمنتظره و سریع در جوامع کنونی دانشگاه‌ها باید در راستای نیازهای جامعه و بر اساس ساختار بازار اشتغال که نیاز و ضرورت تجهیز دانش‌آموختگان به مهارت‌های نو که بسیار از مهارت‌های فنی محض فراتر است، عکس‌العمل نشان دهد. به تعبیر دیگر، به مهارت‌های یادگیری توجه خاص داشته باشد (غفاری‌فرد و ملکی نصر، ۱۳۹۸).

می‌توان شیوه‌های واکنش به این دو موضوع را به این صورت مطرح کرد که چنانچه خواستار واکنش دانشگاه نسبت به تغییرات در ساختار بازار اشتغال باشیم، لازم است نسبت به تدوین خط‌مشی‌های کلی در جهت تقویت و حفظ تمامیت نهادی دانشگاه اقدام کنیم. انتظار پیش‌بینی پنج یا شش سال آتی تقاضاهای بازار اشتغال از دانشگاه‌ها انتظار درستی نیست. در صورت اجبار به طور یقین این امر تهدیدی برای تمامیت نهادی دانشگاه خواهد بود. در جهت رفع این مشکل، راه‌حلی که بتوان ارائه داد، این است که نوعی نظام آموزش عالی متنوع شامل نهادهای متنوع همراه با رشته‌ها و حرفه‌های متنوع ایجاد کنیم؛ به طوری که موجب ارتقای قشربندی کار ویژه نظام آموزش عالی شود. این روش می‌تواند تضمین‌کننده افزایش توانایی انعطاف‌پذیری تجهیز جامعه به ابزارهایی که برای برخورد با بی‌ثباتی در اشتغال به طور پایدار و یا حتی تغییرات اجتناب‌ناپذیر در فناوری و بازارها احتیاج دارد، باشد (طاهری و همکاران، ۱۴۰۰).

اقتصادی (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰ و شهبازی و حسنی، ۱۳۹۱) اشاره داشته‌اند.

با همه مباحث مطرح شده حوزه اقتصادی کشور ایران و به خصوص نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی، کشور با بحران‌های مختلف اقتصادی روبه‌رو است که در بیکاری فارغ‌التحصیلان حال حاضر و آینده نزدیک مشهود است. به طوری که آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۹) در دیدار با کارآفرینان بحث اقتصاد مقاومتی را مطرح کرد که نیاز اساسی کشور برای کارآفرینی را آمادگی کشور برای جهش و فشار اقتصادی دشمنان معرفی کرد که دانشگاه به عنوان یکی از نهادهای مهم فرهنگی در جامعه می‌تواند نقش‌آفرینی کند. آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۱) در دیدار با پژوهشگران و مسئولان شرکت دانش‌بنیان اظهار داشتند که ثروت‌آفرینی از طریق علم، اقتصاد کشور را به شکوفایی حقیقی خواهد رساند. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که ضمن حفظ ویژگی‌های یک اقتصاد کارآمد از استقلال خود پاسداری کرده و بهای آن را هم با رضایت و افتخار می‌پردازد (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲).

اقتصاد مقاومتی با توجه به ابلاغیه مقام معظم رهبری به روسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ دارای ۲۴ بند با تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ شد (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۳).

در جمع‌بندی مطالب بیان شده، می‌توان گفت سازمان‌ها همواره برای توسعه و حفظ وضعیت خود با چالش‌های روزمره مواجه هستند که توجه آن‌ها را از تحولات اقتصاد کلان و فضای کسب و کار، معطوف مسائل درون شرکتی می‌کند. آنچه در تعیین استراتژی‌های سازمانی ارزشمند است، پاسخ‌های به

موقع و متناسب با ظرفیت‌های سازمان و تهدیدات و فرصت‌های بیرونی است.

یکی از بهترین ظرفیت‌هایی که می‌توان در راستای شناخت محیط کسب و کار داشت، استفاده از مشاوره‌های مالی و اقتصادی توسط افرادی است که هم‌اکنون در فضای واقعی کسب و کار کشور درگیر هستند و دغدغه‌های سازمان‌های آن کشور را در فضای کسب و کار درک می‌کنند. علاوه بر این، مشاوران باید از لحاظ علمی سطحی را داشته باشند که بتوانند به کسب و کارها کمک کنند تا بهترین پاسخ را به متغیرهای بیرونی ارائه دهند.

قدرت و صلابت نظام علم و فناوری اروپا وابسته به ظرفیت خود برای کسب مهارت و استعداد در هر کجای جامعه که وجود دارد، است. این تنها زمانی به دست می‌آید که یک بحث پربار و غنی از همکاری دانشگاه و جامعه در جهت اطمینان از پاسخگویی علمی برای فعال کردن توسعه سیاست‌های مربوط به شهروندان گسترش یابد.

پیشرفت‌های سریع در پژوهش‌های معاصر علمی و نوآوری، موجب ظهور مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی شده است که رابطه بین دانشگاه و جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. بهبود همکاری بین دانشگاه و جامعه موجب گسترش حمایت اجتماعی و سیاسی به علم و فناوری در تمام کشورهای عضو کمیسیون اروپا می‌شود. علاوه بر این، مسئله بسیار مهم، تشدید بحران اقتصادی کنونی است. سرمایه‌گذاری دولتی در حوزه علوم نیاز به اجتماع گسترده و سیاست مداوم مشترک در ارزش‌گذاری علم، آموزش و درگیری در فرایندها و توانمندی در تشخیص کمک آن دانش به جامعه و پیشرفت اقتصادی را دارد (EC, 2014).

در خصوص ارتباط بین آموزش عالی و ابعاد مختلف توسعه به خصوص اقتصاد دانش‌محور باید ادعان کرد که توانمندی تفکر عقلانی، توانایی نوآوری و تولید محصولات جدید، وضع قانون و شناسایی آن به عنوان

کلید رشد و توسعه تلقی می‌شوند که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های اصل ۴۴ و چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌توانند از شاهراه‌های مهم حرکات مراکز آموزش عالی به قله‌های رفیع علمی باشد. همچنین در برنامه چشم‌انداز ۱۴۰۴ و اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بندهای مختلفی در حوزه فردی و اجتماعی، دانشگاه را به عنوان یک نهاد علمی اثرگذار بر جامعه معرفی می‌کند و به عواملی همچون سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی- تبلیغاتی اشاره دارد (وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۹۳).

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف، توسعه‌ای است و از منظر روش اجرا، توصیفی از نوع اکتشافی است؛ زیرا هدف پژوهش، شناسایی و واکاوی عوامل مؤثر بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی است. از منظر روش اجرا، توصیفی از نوع اکتشافی مبتنی بر نظریه برخاسته از داده‌ها و طرح داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین است. در این طرح، با این پیش فرض که باید امکان داد تا نظریه از داده تکوین یابد، نه اینکه مقوله‌های ویژه‌ای را مورد تأکید قرار داد، سعی شد ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و در نهایت الگوی پارادایمی اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی از تحلیل ذهنیات و ساختار شناختی موجود در مصاحبه‌ها استخراج شود. مشارکت‌کنندگان در پژوهش از افراد خبره علوم تربیتی (مدیریت آموزشی، منابع انسانی و مدیریت آموزش عالی، اقتصاد) در دانشگاه‌های آزاد استان تهران که در این زمینه تخصص و یا مقاله و کتاب تالیفی داشته‌اند، تشکیل شده‌اند. خبرگان حاضر دارای حداقل پنج سال تجربه فعالیت در دانشگاه و به خصوص در دانشگاه‌های آزاد اسلامی و در زمینه اقتصاد دانش‌محور و یا مطالب تابعه هستند. در نمونه‌گیری به صورت هدفمند متخصصین با تحصیلات دکتری انتخاب شده‌اند. در این روش نمونه‌گیری، موارد به صورت غیرتصادفی و کاملاً هدفمند انتخاب می‌شوند که در

بخش کیفی تعداد ۱۷ نفر از خبرگان در این پژوهش مشارکت داشتند که در جدول (۱) آورده شده است. رویکرد داده‌بنیاد (گراندد تئوری) کیفی برای تعیین عوامل مؤثر بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی استفاده شد. به طور میانگین هر مصاحبه حدود ۷۸ دقیقه زمان را به خود اختصاص داد. سپس مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و همزمان با جمع‌آوری داده‌ها از روش گراندد تئوری جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. مراتب به این صورت انجام گرفت که پس از انجام مصاحبه‌ها نسبت به پیاده‌سازی متن نوارها اقدام و پس از استخراج کدها، نسخه‌ای از آن برای مصاحبه‌شونده ارسال و تأییدشان گرفته شد. البته داده‌ها چندین مرتبه بازخوانی شد تا جوانب آشنایی با آن‌ها و غرق شدن رعایت شده باشد؛ به این صورت که کدهای اولیه شناسایی شده و موارد مشابه کنار هم و در یک طبقه قرار گرفتند و در نهایت طبقات اولیه شکل گرفت. سپس با ادغام این طبقات، درون‌مایه‌ها تشکیل داده شد. درگیری طولانی مدت و عمیقی با داده‌ها در جهت اطمینان یافتن از صحت داده‌های جمع‌آوری شده صورت گرفت. به همین منظور در کنار پژوهشگر اصلی از دو پژوهشگر دیگر در امر تحلیل داده‌ها استفاده شده که در جهت تأیید کدگذاری و طبقات به خواندن دست نوشته‌ها می‌پرداختند و حتی طی تکرار مراجعه به مشارکت‌کنندگان صحت تأییدپذیری بررسی می‌شد. نمونه‌گیری با تنوع بالا و همچنین دیدارهای طولانی مدت ما را از اعتبار داده‌ها مطمئن کرد. کدها و طبقات فرعی پس از مصاحبه اولیه شکل گرفتند و سپس با کاهش داده‌ها در تمام واحدهای تحلیل یا همان کدها، درون‌مایه‌ها ظهور یافتند و در شش بعد (علی، محوری، راهبرد، پیامدها، زمینه‌ها و مداخله‌گرها) به عنوان کدهای انتخابی جایگذاری شد. مصاحبه‌ها تا مرحله اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت. از نرم‌افزار MAXQDA12 جهت تحلیل محتوای کیفی استفاده شد.

جدول ۱- مشخصات مشارکت کنندگان در مصاحبه

متغیر	طبقه	فراوانی	متغیر	طبقه	فراوانی	متغیر	طبقه	فراوانی
محل خدمت	خبرگان دانشگاهی و اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان تهران	۱۷	تحصیلات	فوق لیسانس	۰	سن	پایین تر از ۳۹ سال	۱
				دکتری تخصصی	۱۷		۴۰ تا ۴۵ سال	۲
				زن	۲		۴۶ تا ۵۰ سال	۹
جنسیت				مرد	۱۵	سابقه کار	بالای ۵۰ سال	۵
							زیر ۱۰ سال	۳
							۱۱ تا ۲۰ سال	۸
							بالای ۲۰	۶

۵- یافته‌های پژوهش
 نتایج نشان داد که شرایط علمی اقتصاد دانش‌محور سؤال اول: عوامل علمی تأثیرگذار بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی کدامند؟
 در آموزش عالی در دو مؤلفه جهانی شدن و توسعه یافتگی با ۹ مؤلفه است.

جدول ۲- مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه شرایط علمی

مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
عوامل علمی	جهانی شدن	رقابت با دانشگاه‌های پیشرفته دنیا جذب استعدادها و ویژه از دانشگاه‌های معتبر دنیا ارتباط فرهنگی و اقتصادی با دانشگاه‌های پیشرفته آشنایی با بازیابی بین‌الملل و اهمیت به تحقیق و توسعه
	توسعه‌یافتگی	زندگی با کیفیت خوب توسعه حکمرانی نوین در دانشگاه‌ها آسایش و امنیت روانی و فیزیکی در دانشگاه‌ها حفظ محیط‌زیست در دانشگاه امنیت شغلی برای اساتید

در نهایت برای بخش علمی ۲ مؤلفه و ۹ شاخص سؤال دوم: متغیر پدیده اصلی اقتصاد دانش‌محور استخراج شد.
 در آموزش عالی کدامند؟
 نتایج نشان داد که پدیده اصلی (محوری) اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی یافته در ۲ مؤلفه مدیریت دانش و عوامل نهادی است.

جدول ۳- مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه پدیده اصلی

مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
پدیده اصلی	مدیریت دانش	- آشناسازی دانشجویان و اساتید با دانش اقتصادی - ذخیره‌سازی دانش اقتصادی - اشتراک‌گذاری دانش اقتصادی - ارزیابی دانش اقتصادی - کاربرد دانش اقتصادی - توسعه دانش شبکه
	عوامل نهادی	- تعامل اجتماعی در راستای مسائل اقتصادی - شبکه‌سازی در راستای مسائل اقتصادی - توجه به سرمایه، فرهنگ و هنر - انسجام و برابری اجتماعی - توسعه اقتصاد شبکه

در نهایت برای بخش پدیده اصلی ۲ مؤلفه و ۱۱ یافته‌ها نشان دادند که متغیرهای شرایط زمینه‌ای شاخص استخراج شد. اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی ۲ مؤلفه است.

سؤال سوم: متغیرهای بسترسازهای (زمینه‌ای)

تأثیرگذار بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی کدامند؟

جدول ۴- مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه شرایط زمینه‌ای

مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شرایط زمینه‌ای	آموزش و فناوری	<ul style="list-style-type: none"> - آموزش دانشجویان در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین - آموزش‌های فرهنگی متناسب با نوع دانشگاه و رفتار دانشجویان - آموزش دانش‌های روز دنیا به دانشجویان - آموزش دانش‌های روز به اساتید دانشگاه - آموزش کاربرد دانش‌های مبتنی بر اقتصاد به اساتید و دانشجویان - الگوبرداری از دانشگاه‌های موفق در زمینه اقتصاد دانش‌محور
	قوانین و مقررات	<ul style="list-style-type: none"> - الزام قانونی برای همکاری عموم دانشجویان - امکان تدوین یا اصلاح ضوابط در سطح دانشگاه و سازمان - آگاهی دانشجویان و اساتید از نقش، جایگاه و مأموریت خود و دیگران - تصویب قوانین عادلانه و منصفانه - تصویب قوانین و مقررات مربوط به استخدام (شایسته‌گزینی و شایسته‌پروری) - آشناسازی دانشجویان و اساتید با قوانین اقتصادی (بودجه‌بندی و هزینه‌های جاری) در دانشگاه - قوانین و مقررات مربوط به واگذاری حق امتیاز و مالکیت و حمایت از دارایی‌های فکری - سیاست‌ها و قوانین در راستای گسترش و تقویت فعالیت‌های کارآفرینی

در نهایت برای بخش زمینه‌های پژوهش ۲ مؤلفه نتایج نشان داد که عوامل مداخله‌گر در اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی در ۴ مؤلفه است. و ۱۴ شاخص استخراج شد.

سؤال چهارم: متغیرهای مداخله‌گر اثرگذار بر

اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی کدامند؟

جدول ۵- مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه متغیرهای مداخله‌گر

مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
عوامل مداخله‌گر	سیاست‌های داخلی	<ul style="list-style-type: none"> - تدوین سیاست‌های داخلی نامتناسب با فرهنگ اقتصادی - بکارگیری مدیران ارشد ناآشنا به اقتصاد دانش‌محور دانشگاهی - تدوین شهریه‌های نامتناسب با سطح درآمد و مشکلات دانشجویان - تصویب بودجه‌های نامتناسب با موقعیت جغرافیایی دانشگاه‌های آزاد - برنامه‌های متمرکز داخلی در دانشگاه‌های آزاد - حمایت نکردن از کسب و کارهای دانش‌بنیان - نگاه برنامه‌ریزی راهبردی کوتاه مدت - برنامه‌های درسی و آموزشی بدون نگاه به آینده‌ی دنیا
	برنامه‌های درسی و محتوا	<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از ورود شرکت‌های خارجی به شهرهای کمتر توسعه‌یافته - جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در کسب و کارهای کوچک و متوسط شهرهای کمتر توسعه‌یافته - جلوگیری حضور مهندسان خارجی در شهرهای کمتر توسعه یافته - محصور کردن سطح آموزش دانشگاهی به درون شهری و استانی
	سرمایه‌ای بودن دانشگاه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - محتوای غیر بومی و غیرمرتبط - برنامه‌های درسی و آموزشی متمرکز در دانشگاه‌های آزاد - کیفیت نامناسب محتوای آموزشی - اساتید کم تجربه در زمینه‌ی اقتصاد دانش‌محور

در نهایت برای بخش شرایط مداخله‌گر پژوهش ۴ نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش نشان داد که مؤلفه و ۱۶ شاخص استخراج شد. متغیرهای اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی در ۴ مؤلفه زیرساختی، فرهنگی، مهارت و تخصص و سیاست‌های جاری دانشگاه است. سؤال پنجم: متغیرهای راهبردی اثرگذار بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی کدامند؟

جدول ۶- مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه راهبردی (استراتژیک)

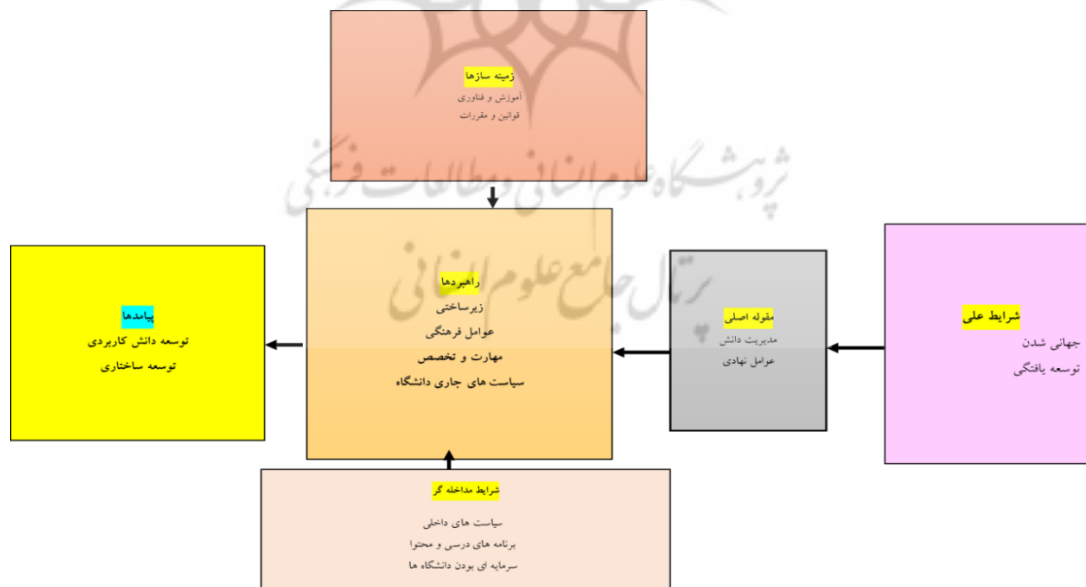
مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
شرایط راهبردی	زیرساختی	- توسعه فناوری‌های اطلاعات - توانایی‌های رایانه‌ای - توسعه پهنای باند اینترنت - ایجاد اینترنت پرسرعت - قیمت مناسب برای خدمات اینترنتی - استفاده از تکنولوژی‌های نوین در دانشگاه - استفاده از منابع انسانی ماهر (کارکنان و کارمندان دانشگاه) - به‌کارگیری مدیران با تجربه در دانشگاه
	عوامل فرهنگی	- فرهنگ‌سازی در سطح دانشگاه برای حفظ منابع مالی - آشناسازی دانشجویان با فرهنگ صرفه‌جویی و درست مصرف کردن - نگرش افراد جامعه نسبت به کارآفرینی، تجاری‌سازی و کسب و کار تولید شده در دانشگاه - فرهنگ حاکم بر بخش کسب و کار و صنعت
	مهارت و تخصص	- داشتن مهارت‌ها و تخصص‌های لازم در زمینه‌ی حفظ منابع مالی - آموزش مهارت‌های خاص در زمینه حفظ منابع مالی در سطح دانشگاه
	سیاست‌های جاری دانشگاه	- واگذاری امتیازات انحصاری و غیرانحصاری - سهیم شدن در مخاطرات مبتنی بر این امتیازات - آزادی عمل اساتید و محققان دانشگاهی در روند به فعالیت‌های اجرایی و راه‌اندازی کسب و کار مبتنی بر پژوهش‌های خود - اجازه استفاده از منابع دانشگاهی برای ایجاد مخاطرات جدید مبتنی بر دانش تکنولوژی دانشگاهی - کمک‌های مالی دانشگاه در راه‌اندازی شرکت‌های جدید

در نهایت برای بخش راهبردهای پژوهش ۴ مؤلفه نظرات مشارکت‌کنندگان پژوهش نشان داد که و ۱۹ شاخص استخراج شد. پیامدهای اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی در ۲ مؤلفه سؤال ششم: نتایج حاصل از اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی کدامند؟

جدول ۷- مقوله‌ها، مؤلفه و مفاهیم احصاء شده به مثابه پیامدها

مقوله اصلی	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
پیامدها	توسعه دانش کاربردی	- افزایش سطح سواد و اطلاعات دانشجویان و اساتید در دانشگاه‌ها پیرامون مسائل اقتصادی - افزایش دانش عمومی دانشجویان و کارکنان از اقتصاد و عوامل مؤثر بر آن - توسعه فرهنگ و جوّ اشتراک‌گذاری دانش و تجربه در دانشگاه‌ها - تشویق تولید، به اشتراک‌گذاری و استفاده از دانش - روی آوردن به اقتصاد مقاومتی - توانایی مقابله با تحریم‌های بیرحمانه غرب
	توسعه ساختاری	- ارتقای کیفیت پژوهش‌های کاربردی - کیفیت فضای کالبدی دانشگاه برای گفتگوی افراد و انتقال تجربیات - توسعه روابط کاری در دانشگاه - مشارکت ذینفعان و مدیران ارشد با یکدیگر در تصمیم‌گیری‌های کلان - میزان فضاهای پژوهشی مناسب برای حضور و گفتگوی افراد و انتقال تجربیات - آمادگی بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های نوین و خاص دانشگاه‌ها - افزایش قدرت اقتصادی و توانایی مالی دانشکده‌ها - برندسازی دانشگاه‌ها - تجاری‌سازی دانشگاه‌ها

در نهایت برای بخش پیامدهای پژوهش ۲ مؤلفه و ۱۵ شاخص استخراج شد. پس از تحلیل مصاحبه‌های انجام گرفته در مجموع ۱۵ مؤلفه و ۸۴ شاخص استخراج شد. در آخر مدل پارادایمی عوامل مؤثر بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی به صورت نمودار ۱ ترسیم شد.



نمودار ۱- مدل عوامل مؤثر بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یکی از چالش‌های اساسی پیش روی آموزش عالی، داشتن منبع درآمد است. اقتصاد یک پدیده پذیرفته شده در صنعت جهانی است. امروزه کشورهای جهان با تلاشی مستمر در جهت افزایش تراز بهره‌وری ملی صنعتی بازرگانی و آموزشی خود درصدد بالا بردن تراز مالی و اقتصادی از طریق ساز و کارهای کارآمد مدیریتی هستند. از جمله دلایلی که موجب شده دانشگاه‌ها درصدد یافتن راه‌هایی جهت کاهش هزینه‌ها، استفاده حداکثری از منابع موجود و در نهایت افزایش سطح بهره‌وری باشند، تأثیر روزافزون فشارهای خارجی از سوی سیاستمداران، قانون‌گذاران و حتی مردم جامعه بر دانشگاه‌ها است و دلایل بیان شده می‌تواند نمایانگر ضرورت و اهمیت پرداختن به اقتصاد دانش‌محور به عنوان بهترین راهکار جهت کاهش هزینه‌ها و استفاده بهینه از منابع و امکانات باشد.

بررسی موضوع اقتصاد دانش‌محور به اندازه‌ای حائز اهمیت است که می‌توان آن را به عنوان هسته اصلی نظام آموزش عالی قلمداد کرد و در همین راستا دانشگاه‌های آزاد اسلامی با مطالعه اقتصاد دانش‌محور می‌توانند در جهت ارتقای کیفیت در نظام آموزش عالی به خصوص در سطح دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی گام بردارند.

برای تحقق اقتصاد دانش‌محور در دانشگاه‌های آزاد اسلامی لازم است با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب، ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌محور شناسایی شده در جهت تحقق و به تبع آن بهبود و ارتقای کیفیت آموزش‌های دانشگاهی فراهم شود. با توجه به میزان تأثیرگذاری مطالعه اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی می‌توان به میزان اهمیت آن پی برد. در راستای برنامه‌ریزی مناسب برای ارتقای اقتصاد دانش‌محور نیازمند آن هستیم که در اولین گام عوامل مؤثر بر آن را شناسایی کنیم. بدون شک اندازه‌گیری اقتصاد در آموزش عالی و به ویژه اقتصاد دانش‌محور به علت داشتن مفهومی پیچیده، دشوار است تا جایی که برخی اعتقاد دارند که امکان تحقق رشد و توسعه اقتصاد در آموزش وجود ندارد.

در این مقاله سعی بر آن بوده که پس از بیان مفهوم عام اقتصاد دانش‌محور، آن را در حوزه آموزش عالی مورد بررسی قرار دهیم. تأکید اصلی پژوهشگر در این پژوهش بررسی چالش‌های پیش روی مدیران و سیاست‌گذاران درخصوص اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی است که نتایج به‌دست آمده می‌تواند پژوهشگران آموزش عالی را مدد کند.

با انجام این پژوهش قصد در ارائه تغییراتی در سیاست‌های اقتصاد دانش‌محور در نظام آموزش عالی بود. در نهایت با شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد دانش‌محور در نظام آموزش عالی، مدل مفهومی اولیه را طراحی کردیم که دارای ۶ بعد، ۱۵ مؤلفه و ۸۴ شاخص بود.

در ارتباط با یافته‌های این پژوهش، برخی پژوهشگران به نتایجی همسو دست یافتند که به چند مورد اشاره می‌شود؛ محمودی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان می‌دهند که اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند در دانش و سواد دانشجویان مؤثر باشد؛ بنابراین، مؤلفه توسعه دانش برای پیامدها و شاخص‌های افزایش سطح سواد و اطلاعات دانشجویان و اساتید در دانشگاه‌ها پیرامون مسائل اقتصادی، افزایش دانش عمومی دانشجویان و کارکنان از اقتصاد و عوامل مؤثر بر آن برای متغیر پیامدها مؤثر هستند. کوکستو فال و همکاران (۲۰۲۱) نیز در پژوهشی نشان داد که مؤلفه‌های مدیریتی، ساختاری، نهادی برای اقتصاد دانش‌محور تأثیرگذارند و از این میان بعد فرهنگی تأثیر بیشتری دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

➤ مدیران و اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی به خاطر خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایشان تشویق شده و به آن‌ها پاداش دهند تا از این طریق حس موفقیت در شغل را در آن‌ها افزایش دهند.

➤ در جهت تغییر ساختار برای اجرای اقتصاد دانش‌محور لازم است حمایت‌های مالی، معنوی و حقوقی

حسینی کوهساری، سید جواد؛ مشایخ، محمدرضا؛ سالار، جمشید؛ باقری، سید محمد. (۱۴۰۰). طراحی و تبیین مدل بالندگی سرمایه‌های انسانی به منظور دستیابی به اقتصاد دانش‌محور. *فصلنامه علمی مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۹ (۴-پ ۳۶)، ۱۰۳-۱۱۸.

رضایی نجفقلی، شهرام؛ شافعی، سیما. (۱۳۹۹). تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر همگرایی و رشد اقتصادی جنوب‌شرقی آسیا با رهیافت اقتصادسنجی فضایی. *سومین کنفرانس مدیریت اقتصاد و حسابداری*.

سالم، علی اصغر. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیرگذاری اقتصاد دانش‌بنیان بر رشد اقتصادی در چارچوب مدل رشد درون‌زای گسترش‌یافته. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۸ (۶۸)، ۲۱۸-۱۸۷.

سبزی‌پور، امیر؛ فرج الهی، مهران؛ سرمدی، محمد رضا؛ غفاری، هادی. (۱۳۹۷). طراحی مدلی برای بازگشت سرمایه در نظام آموزش عالی از دور. *دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۹ (۳۵)، ۴۵-۶۸.

سلیمی، محسن؛ رادفر، رضا؛ ایرانزاده، سلیمان. (۱۴۰۱). شناسایی و بررسی عوامل مؤثر در مدل ارزشگذاری ایده‌های نوآورانه در مراکز دانش‌محور با تأکید بر مراکز دانش‌بنیان دانشگاه آزاد اسلامی. *رهیافت*، ۳۲ (۸۴)، ۴۳-۵۹.

طاهری طیبی، سعیده؛ هاشمی، سید احمد؛ قلناش، عباس؛ ماشین‌چی، علی اصغر. (۱۴۰۰). اعتباربخشی الگوی تدوین شده برنامه درسی مدیریت اقتصاد خانواده. *دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۲ (۶)، ۱۲۱-۱۰۴.

غفاری فرد، محمد؛ ملکی‌نصر، هاشم. (۱۳۹۸). سنجش فضایی اقتصاد دانش‌بنیان در استان‌های مختلف ایران (رویکرد شاخص ترکیبی). *نشریه رهیافت*، ۲۹ (۷۵)، ۵۵-۷۲.

محمودی، مقداد؛ مرجان، دامن‌کشیده؛ نصیبیان، شهریار. (۱۴۰۰). اثرات شاخص اقتصاد دانش‌بنیان بر رشد اقتصاد کشورهای اسلامی (مدل آزمون بارو سلالی مارتین). *نشریه اقتصاد مالی*، ۱۵ (۳)، ۲۴۱-۲۱۷.

مزدخواه، احسان؛ حمیدی، سمیه. (۱۴۰۱). قطر و اقتصاد دانش‌بنیان: الگوی نوین برای توسعه‌یافتگی دولت. *نشریه دولت‌پژوهشی*، ۸ (۳۲)، ۱۸۸-۱۵۷.

ویسی، رضا؛ نازک تبار، حسین. (۱۳۹۴). *تحلیلی بر جایگاه اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی و اشتغال (چالش‌ها،*

از طریق ایجاد یک معاونت دانش‌بنیان انتقال فناوری و مالکیت معنوی صورت پذیرد. از ایده‌های جدید از طریق وام، سرمایه‌گذاری و یا پذیرش طرح‌های دانشگاهی حمایت شود. پارک‌های فناوری، مراکز رشد و مراکز شتاب‌دهنده، تجهیز و به روزرسانی شوند.

➤ از سیستم‌های انگیزشی، پاداش و پشتیبانی و ارتقاء برای کارکنان، دانشجویان و هیات علمی جهت ارائه ایده‌های کاربردی و یا توسعه و پیاده‌سازی اقتصاد دانش‌محور در دانشگاه بهره‌گیری شود.

➤ به منظور تقویت زیرساخت اقتصاد دانش‌محور در دانشگاه‌ها، تأسیس شرکت‌های وابسته به دانشگاه در راستای تجاری‌سازی دانش و انتقال نیازهای اقتصادی کشور به آموزش عالی در جهت مرتفع‌سازی آن‌ها موجب افزایش توان دانشگاه‌ها در درآمدزایی می‌شود و علاوه بر آن، زمینه ورود دانشجویان به بازار فراهم می‌کند.

➤ آگاهی از شاخص‌های تأثیرگذار بر اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی و رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور از این منظر کمک شایان توجهی به برنامه‌ریزان آموزشی عالی می‌کند. در نتیجه، وزارت آموزش عالی و فناوری می‌تواند دانشگاه‌ها را با توجه به میزان تحقق اقتصاد دانش‌محور در آموزش عالی رتبه‌بندی کند و هر سال این رتبه‌بندی را بازبینی کرده و نتایج آن را به دانشگاه‌ها ارائه دهد.

➤ ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های احصاء شده از پژوهش حاضر در قالب یک دفترچه در اختیار رؤسای گروه و دانشکده‌ها قرار گیرد تا حرکت خود را از برنامه‌روزی به برنامه‌ریزی تبیین کنند.

➤ دانشگاه‌های آزاد و دولتی ارتباط بیشتری با دانشگاه‌های جهانی موفق در زمینه اقتصاد دانش‌محور داشته باشند.

۷- منابع

امیدی، سیروس؛ خمسه، اصغر. (۱۳۹۴). نقش کتابخانه در توسعه فرهنگی، شیرازه، *نشریه الکترونیکی علوم کتابداری، آرشیو و اطلاع‌رسانی*، ۱ (۶).

- management model. *Journal of knowledge management*, 8(1), 32-46.
- Giraldo, M. C. B., Toro, O. N. P., Arias, A. V., Arias, M. L. B., & Piedrahita, L. B. (2022). Research trends of the knowledge-based economy: A bibliometric study. *Intangible Capital*, 18(2), 290-313.
- Iwona Skrodzka; Knowledge-Based Economy In The European Union – Cross-Country Analysis-2016
- Liyanage, S. I. H., & Netswera, F. G. (2021). Greening Universities with Mode 3 and Quintuple Helix model of innovation–production of knowledge and innovation in knowledge-based economy, Botswana. *Journal of the Knowledge Economy*, 1-31.
- Mensah, M. S. B., & Enu-Kwesi, F. (2018). Research collaboration for a knowledgebased economy: towards a conceptual framework. *Triple Helix*, 5(1), 1-17.
- Phale, K., Li, F., Adjei Mensah, I., Omari-Sasu, A. Y., & Musah, M. (2021). Knowledge-based economy capacity building for developing countries: a panel analysis in Southern African Development Community. *Sustainability*, 13(5), 2890.
- Rottleb, T., & Kleibert, J. M. (2022). Circulation and containment in the knowledge-based economy: Transnational education zones in Dubai and Qatar. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 54(5), 930-948.
- فرصت‌ها و چشم‌اندازها). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Abd, A. S., Jassim, I. M., & Hasoon, H. H. (2022). The Role of Green Intellectual Capital in Strengthening the Elements of the Knowledge Economy: An Analytical Descriptive Study of the Opinions of a Sample of Managers in the Oil Products Distribution Company/Iraq-Nineveh.
- Aliu Mulaj, L., & Dedaj, B. (2022). Knowledge-Based Society: R&D Investments in New Economic Transformation. In *New Approaches to CSR, Sustainability and Accountability, Volume IV* (pp. 49-67). Singapore: Springer Nature Singapore.
- Aparicio, G., Iturralde, T., & Rodríguez, A. V. (2023). Developments in the knowledge-based economy research field: a bibliometric literature review. *Management Review Quarterly*, 73(1), 317-352.
- Ben Hassen, T. (2022). Developing a Vibrant Entrepreneurship Ecosystem in Qatar: A Sustainable Pathway Toward the Knowledge-Based Economy?. In *Sustainable Qatar: Social, Political and Environmental Perspectives* (pp. 349-364). Singapore: Springer Nature Singapore.
- Chorev, N., & Ball, A. C. (2022). The Knowledge-Based Economy and the Global South. *Annual Review of Sociology*, 48, 171-191.
- Diakoulakis, I. E., Georgopoulos, N. B., Koulouriotis, D. E., & Emiris, D. M. (2004). Towards a holistic knowledge